

در روزهایی که دین خدا پایمال می‌شد و مردم به راحتی لگلمال شدنش را می‌پذیرفتند، عصمت پروردگار به پا خاست تا طنین سخنانش قرون و اعصار را فراگیرد و راهنمای انسان‌های حقیقت‌طلب در تمام جهان باشد. از پس گذشت قرن‌ها، روشنگری‌های حضرت زهر(س) همچنان نورافشانی می‌کند، زیرا او با یک خطبه، اساس دانشگاهی را پایه‌ریزی کرد که تا پایان دنیا برقرار خواهد بود.

- خطبه فاطمیه در یک نگاه**

سخنرانی و خطبه حضرت زهر(س)، تجلی‌بخش امام‌شناسی و ولایت‌محوری آن بانوی بزرگ و نیز حاوی مطالب عمیق فکری بسیاری است که نشان از معرفت سرشار آن حضرت به موضوعات علمی دارد. در واقع می‌توان گفت یک دوره درس اعتقادات استدلالی و تبیین اصول دینداری و اخلاق عملی است، معرفت‌آموزترین سخن بشری که در آن دوران بر انسان‌ها خوانده شده است. خطبه فدکیه حضرت زهر(س) آنچنان متین، منظم و فصیح است که برخی گمان کرده‌اند به نوشتنهای از پیش‌طراحی شده، بیشتر شبیه است تا یک سخنرانی ناگهانی. این ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج‌البلاغه با بیان سندی می‌نویسد: عبدالله بن احمد از پدرش نقل می‌کند نزد زید شهید، پسر امام سجاده(ع) خطبه فدکیه حضرت زهر(س) را نقل کردم و به وی گفتم: برخی گمان می‌کنند این خطبه ساختگی بوده و آن را حضرت فاطمه زهر(س) ایراد نکرده بلکه از آن ابی‌العیناه است، زیرا این کلام، منظم، معین و یکنواخت است. زید گفت: من دیدم که بزرگان آل ابیطالب از پدرانشان آن را روایت می‌کنند و به فرزندان خویش یاد می‌دهند. بزرگان شیعه نیز آن را درس می‌دادند، پیش از آنکه حتی جدّ ابوالعیناه، با به عرصه وجود بگذارد.^(۱)

خطبه حضرت زهر(س) در مسجد مدینه، از چنان عظمتی برخوردار بود که بیش از ۲۴ نفر از شخصیت‌های قرن اول هجری همچون امیرالمؤمنین(ع)، حضرت زینب(س)، امام سجاده(ع)، ابن عباس، جابر بن عبدالله انصاری و انس بن مالک از یاران پیامبر آن را نقل کرده‌اند در قرن دوم نیز بزرگانی همچون امام باقر(ع)، امام صادق(ع)، زید پسر امام سجاده(ع)، مغضل، ابی‌نصر بزنطی و دیگر یاران امامان آن را روایت کرده‌اند.^(۲)
این خطبه شریف در بیش از ۶۰ کتاب مهم شیعه و اهل سنت آمده است و عالمانی همچون شیخ صدوق در علل الشرایع، سید بن طاووس در طرائف، طبرسی در احتجاج و ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه آن را نقل کرده‌اند. تاکنون افزون بر ۱۱۲ جلد کتاب درباره این خطبه و محتوای آن نوشته شده است. محدث بزرگ علامه مجلسی می‌نویسد: این خطبه، از خطبه‌های مشهوری است که شیعه و سنی آن را با سندهای گوناگون نقل کرده‌اند.^(۳)
نگاهی دقیق و موشکافانه به سیره فاطمی(س) و نحوه حرکت و ورود آن حضرت به مسجد، درس‌های بزرگی را به ما می‌آموزد. ابن ابی‌الحدید معتزلی، پس از ذکر اسناد خطبه، نحوه ورود حضرت را اینگونه نقل می‌کند: زمانی که ابوبکر تصمیم به منع فک گرفت و حضرت زهر(س) از این مقصد آگاهی یافت، مقنعه بر سر انداخت و با جماعتی از فرزین به طایفه سوی مجلس ابوبکر حرکت کرد. آن حضرت لباسی بلندی پوشیده بود و در راه رفتن، نظیر پدر بزرگوارش رسول اکرم(ص) گام برمی‌داشت چون داخل مجلس شد، ابوبکر با جمعی از مهاجران و انصار نشسته بودند. سپس بین مردان و ایشان، پرده سفیدی زده شد.^(۴)
در آن شرایط، حضرت زهر(س) در حالی که ععدای از زنان قریش اطراف آن حضرت را گرفته بودند، وارد مسجد شد. منظره عجیبی بود. همه مردم بی‌اراده برای دختر پیامبر(ص) راه باز کردند و منتظر بودند ببینند ایشان چه می‌کند. وقتی به دستور آن حضرت میان زنان و مردان پردهای زده شد، بانوی بزرگ اسلام همراه دیگر بانوان در آن سوی پرده قرار گرفتند. نگاهان صدای فاطمه(س) بلند شد، آه جانسوز و آتش‌بار تمام اهل مسجد را متأثر کرد و مردم شروع به گریه کردند. مجلس پریشان و مضطرب شد. حضرت اندکی صبر کردند تا جوش و خروش مردم تمام شد. آنگاه خطبه را آغاز کردند... الحمدلله ما أنعمَ ولَهُ الشُّکرُ عَلَی ما أَلَّهم...

- ستایش خدا**

خطبه فدکیه حضرت زهر(س) در مسجد مدینه، دربردارنده حقایق فراوانی در توحید و معارف است. آن حضرت در بخشی از سخنان خود فرمود: خدا را بر آنچه ارزانی داشت، سپاسگزارم و بر اندیشه نیکو که در دل نهاد، شاکرم و بـر نعمت‌های فراگیرش ثنا می‌گویم. نعمت‌هایی که از شمار بیرون است و شکر و جبران آنها از توان، افزون، و درک نهایتش نه در حد اندیشه ناموزون است. بندگان را برای فروزی نعمت‌ها و استمرار عطایا به شکر خویش فراخواند. برای تکمیل و فزون‌بخشی نعمت‌ها، خایق را به کثرت ستایش واداشت. گواهی می‌دهم معبودی جز او نیست و یکتایی است بی‌شریک. روح این گواهی، دوستی بی‌آلایش است که دل‌های مشتاقان با آن درآمیخته و آثارش در افکار پر توانش شده است، خدایی که دیدگان را توانایی دیدن، زبان را یاری بیان و گمان‌ها را قدرت بر ادراک او نیست.^(۵)
هر آنچه آدمی در زندگی از آن سود می‌برد و موجب خیر و خوشی در دین و دنیای او می‌شود، نعمت است که شامل مال، مقام، زیبایی، سلامتی و ... است و باید با هدیه که خداوند خلقند است، آنها برای انسان داشته است، به کار برده شود. بنابراین هر چه انسان برای قرب و نزدیکی به پروردگار در آن تصرف می‌کند و به این وسیله خشنودی او را طلب



به مناسبت ایام شهادت ام‌ابیه‌ا، حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها

جرعه‌ای از خطبه فدکیه

بندگی‌اش، از پرستیدن غیر او بی‌نیاز شوند.^(۱)

- دومین پایه اسلام**

نبوت، دومین بخش از اصول دین است. حضرت فاطمه(س) در دومین بخش از خطبه خود در مسجد مدینه چنین فرمودند: گواهی می‌دهم پدرم، بنده و فرستاده خداست. او را برگزید پیش از آنکه برای مردم هدایت بفرستد... و این در آن هنگام بود که بنده گفتم: پروردگار! شکر تو را به جا آوردمید، خداوند می‌فرماید: چون شکر او را به جا نیاوردید، شکر مرا هم نکردید.^(۲)

خداوند نیاز به شکر‌گزاری ندارد، بلکه تمام نتیجه شکر، عاید بنده می‌شود و بر نعمت‌های او می‌افزاید. نه‌تنهانعمت‌های مادی او افزوده می‌شود،بلکه روحیه شکر‌گزاری نیز که خود نعمت بزرگی است، در وی تقویت می‌شود. امام حسین(ع) در دعای عرفه شکر واقعی را اینگونه معرفی می‌کند:
فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَفْتِيكَ يَا مُؤْمِلًا، أَسْتَسْمِعِي أَمْ يَنْصُرِي أَمْ يُلْسِنِي أَمْ يَبْدِي أَمْ يَجْعِلِي؟ أُنْشِنِي كُلِّهَا بِنِعْمِكَ عِنْدِي وَ بِكُلِّهَا عَصِيئَتِكَ، پس با چه وسیله رو به سوی تو آورم؟ آیا به قوه شنوایی یا بینایی‌ام یا به وسیله زبان یا دست و پایم، معذرت بخواهم؟ آیا همه اینها نعمت تو نیست، در حالی که من با همه آنها نافرمانی تو را کرده‌ام؟

بانوی بزرگ اسلام با شهادت و گواهی به یگانگی و یکتایی خداوند، توحید عملی را یادآور می‌شود که بر همه مسلمانان از هر صنف و طایفه‌ای واجب است. کمال توحید خداوند، خالص شدن برای او است یعنی عارف آگاه به توحید خدا می‌رسد که اخلاصش برای خدا کامل باشد. توحید واقعی آن است که انسان به طور کلی غیر خدا را نبیند. وقتی آدمی در راه اخلاص گام نهد و تا آنجا که در توان دارد، ناخالصی‌ها را از روح، جان و اعمال خود بزداید، خالص می‌شود و از نظر ایمان و معرفت و عمل، به مقام والایی دست می‌یابد که از قلمرو نفوذ وسوسه‌های شیطانی خارج می‌شود.

- حکمت و فلسفه آفرینش**
- حکمت آفرینش، پرسشی است که از دیرباز، اندیشمندان را به خود متوجه ساخته است. حضرت زهر(س) در بخشی از خطبه فدکیه به این مسأله اشاره می‌کند و می‌فرماید: خدای متعال، همه چیز را از نیستی به هستی درآورد و آنها را بدون وجود الگو و نمونه‌ای ایجاد کرد. بـا ید قدرت خود، همه را بالندگی داد و بـا اراداش، به آفرینش موجودات دست یازید بی‌آنکه به آفرینش آنها نیازمند باشد و از این صورنگری طرفی ببندد. او می‌خواست حکمتش را آشکار سازد، مردم را به فرمانبرداری‌اش هوشیار کند و بندگان را به عبودیتش رهنمون گرداند. پس آنگاه پادش را در اطاعت و کفر را در نافرمانی نهاد تا بندگانی را از خشم و عذاب خود برهاند و به سوی بهشت و کانون رحمتش سوق دهد.^(۳)

تمام موجودات از آن روی که آفریده خداوند هستند و هر چه دارند، از اوست؛ در برآوردن نیازهای خود رو به سوی او دارند و قصد او را می‌کنند. چنانکه قرآن می‌فرماید:
وَ أَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى^(۴)
همچنین می‌فرماید:
يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^(۵)
در روایتی آمده است حضرت داوود(ع) از خداوند پرسید: پروردگار! چرا مخلوقات را آفریدی؟ خداوند فرمود: من گنجی پنهان بودم، دوست داشتم شناخته شوم، پس آفریدم آفریدگان را تا شناخته گردم.^(۶)
در نگرش زهرای اطهر(س) خلقت جهان مبتنی بر اصل هدفداری آفرینش است، زیرا هر انسان یکتاپرستی می‌داند او و همه جهان هستی، آفریده‌های خدای متعال هستند و همه در یک راه فرامود: من گنجی پنهان بودم، دوست داشتم شناخته شوم، پس آفریدم آفریدگان را تا شناخته گردم.^(۷)

حضرت زهر(س) در ادامه خطبه خویش در بیان حکمت عبادات فرمودند: خداوند ایمان شما را سبب تطهیر و پاکیزگی از شرک، نماز را وسیله پاک‌ی از کبر و غرور، زکات را موجب تزکیه نفس و افزایش روزی، روزه را عامل تثبیت اخلاص و حج را وسیله تقویت آیین اسلام قرار داد.^(۸)
نقطه انحراف آدمی، هواپرستی است و تنها راه نجات و آزادی از چنگال آن، توان بخشیدن به عقل



و ایمان و هماهنگی این دو با یکدیگر است که هیچ یک بدون دیگری نقش چندانی ندارد. تحقق ایمان بـه خدا در قلب آدمی که همراه با تصدیق و اعتراف به کمال مطلق و بی‌نهایت بسودن ذات اقدس الهی باشد، شرک‌زدانست. نماز سبب مدیدن روح تواضع در وجود انسان‌ها و پایین کشیدن سرکشان از مرکب غرور است که با سجده، رکوع و نیایش به درگاه الهی تحقق می‌یابد و مانع کبر و استکبار می‌شود. حضرت زهر(س) پرداخت زکات را سبب تزکیه نفس می‌داند زیرا این کار سبب می‌شود روح انسان از اسارت و وابستگی به نفس، اموال و ذخایر دنیا رهایی یابد. مبارزه با نفس امری بسیار دشوار است و اگر گریاش به مال، تعدیل و هدایت نشود، بشر را به سوی فزون‌خواهی و تکثر طلبی که جلوه‌ای از طغیان است، می‌کشاند که خود، رشت‌ترین نوع الودگی روح و جان آدمی است. همچنانکه خدای تعالی در قرآن می‌فرماید:
الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى^(۹)

حضرت زهر(س) علت تشریع روزه را استوار کردن اخلاص دانسته‌اند. در حقیقت روزه، حکم جهاد با نفس را دارد که آن هم از اهمیت خاصی برخوردار است و به اراده و تصمیم و اختیار نیازمند است. هر اندازه که جهاد با نفس بیشتر باشد، انسان به موقعیت‌های بیشتری دست می‌یابد. رسول خدا(ص) فرمودند: دشمن‌ترین دشمنان تو، نفس است که در تو است.^(۱۰) اگر آدمی بتواند با خواسته‌های دل و نفس مبارزه کند، به طور قطع و یقین در همه زمینه‌ها موفق خواهد شد. امام علی(ع) نیز می‌فرماید: خداوند بندگانش را با نماز و زکات و تلاش در روزه‌داری، حفظ کرده است تا اعضا و جوارح‌شان آرام، دیدگان‌شان خاشع، جان و روان‌شان فروتن و دل‌هایشان متواضع شود.^(۱۱)

کنگره عظیم حیز نیز پایه‌های اسلام را مستحکم می‌کند و قدرت و توان مسلمانان را در زمینه‌های مختلف فکری، فرهنگی، نظامی و سیاسی افزایش می‌دهد. ضرورت دفاع از حریم امامت، سبب شد بانوی حیا و شرف به میدان سخنوری گام گذارد و با ایراد خطبه‌ای حماسی و شورآفرین، زیباترین قطعات ادبی را رقم زدـ. فاطمه(س) که میراثدار فصیح‌ترین مردم عرب بود، در شرایطی بحرانی بدون هیچ آمادگی قبلی، چنان خطبه‌ای ایراد فرمود که بـه جاودانه‌ترین قطعات ادبی در تاریخ ادبیات عرب تبدیل شد. خطبه تاریخی زهرای اطهر(س) در مسجد پیامبر(ص) از نظر گاه فصاحت و بلاغت در اوج هماهنگی و یگانگی واز دیدگاه معرفت و حکمت، در کمال گره‌گشایی و گستردگی است؛ خطبه‌ای که با حکمت‌آموزی‌های رمز‌گونه‌اش، زمینه شکست خیر و برکت را در اختیار مـنـد هـا و راهنمای ما در مسیر توسعه‌های فردی و اجتماعی شود.

- استدلال بر حقایق**

حضرت زهر(س) در ادامه خطبه فدکیه، با معرفی خاندان رسالت، سقیفه را کانون فتنه دانست، آنگاه درباره فک که میراث او از پیامبر(ص) است، سخن به میان می‌آورد سپس یاران پیامبر(ص) را به یاری می‌خواند:
ای مردم! بدانید که من فاطمه‌ام و پدرم محمد است که صلوات و درود خدا بـر او و خاندانش باد. آنچه بیان می‌کنم، آغاز و انجامش یکی است و هرگز ضد و نقیضی در آن وجود ندارد ... پیامبری از میان شما برخاست و به سویان آمد که از رنج‌های شما رنج می‌برد، به هدایت شما علاقه وافر داشت و نسبت به مؤمنان، مهربان و رحیم بود، هرگاه نسبت او را بجویید، می‌بینید که پدر من بوده است، نه پدر زنان شما و برادر پسرعموی من بوده است، نه برادر مردان شما؛ چه رفراختار است این نسبا درود خدا بر او و خاندانش باد ...^(۱۲)

حضرت زهر(س) در این بخش از خطبه، حقایق بسیار مهمی را مطرح می‌کنند و قبل از آن خویش را معرفی می‌کنند که رسول خدا(ص) او را چنین

معرفی کرده بودند:
إِنَّ اللَّهَ لَيُعْضِبُ لَعْنَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَائِهَا؛ خدای بزرگ از خشم فاطمه به خشم می‌آید و به خشنودی او خشنود می‌شود.^(۱۳)
آنگاه تأکید می‌کند: یک بار می‌گویم و آنچه می‌گویم، غلط و اشتباه نیست و کارهایی که انجام می‌دهم، برخلاف حق نیست که اشاره به همان آیه‌ای دارد که در توصیف رسول خدا(ص) آمده است؛ چنانکه خود نیز در ادامه خطبه‌اش از آن مدد می‌جوید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ^(۱۴)
حضرت(س) با توصیفی از وضع نابسامان مردم پیش از رسالت رسول خدا(ص)، مننی را که خدای متعال با ارسال رسول خود به سوی آنان، بر ایشان نهاده است، یادآوری می‌کند و از جوانمردی‌های و فداکاری‌های امام علی(ع) سخن به میان می‌آورد تا خفتگان را بیدار کند؛ همان کسی که خداوند در بیان شأنیتش فرمود:
وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ^(۱۵)

آنگاه سقیفه را کانون فساد معرفی می‌کند و خطر نفاق منافقان را به مردم هشدار می‌دهد؛ منافقانی که دشمنان پنهان و داخلی‌اند که نقاب اسلام و انقلاب به صورت دارند و با چهره دوست‌مـا، خود را در صف مؤمنان داخل کرده‌اند اما در حقیقت و در باطن، تیشه به ریشه دین می‌زنند؛
الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُفٍّ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنْ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَ إِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَ نَمُنَّكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَنْ يَخْلَعَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا، إِنْ الْمُنَافِقِينَ يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا، مُنْذِبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَ مَن يَضِلَّ اللَّهُ فَلَنْ يُجِدَ لَهُ سَبِيلًا^(۱۶)

مسأله بروز اختلاف پس از رحلت انبیا، مکرر در تاریخ اتفاق افتاده است که یکی از امتحان‌ها و آزمایش‌های الهی است تا مردم در این میان، حق را بشناسند و از آن پیروی کنند. حضرت زهر(س) به همین اختلاف اشاره و چهره نفاق را نمایان می‌کند. منصب حاکمیت الهی، جایگاه بسیار رفیع و منطری اعلی دارد. در آیات قرآن هم به طور روشن آمده که خلافت، منصبی الهی است و شما به آن دسترسی ندارید. یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِّنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ^(۱۷)
عتاب حضرت فاطمه(س) از این رواست که آنان، قرآن را رها کرده و اوامر و نواهی و اشکارترین دستور آن که خلافت است و در پرده ابهام قرار ندارد، زیر پا نهاندن.^(۱۸) ایشان در مسجد پیامبر(ص)، ادعای ارث را بـا مهارتی زیبا مطرح و با بیان منطقی برای همه روشن می‌کنند: ای مردم! فاطمه دختر پیامبر اسلام هست و در دختری از پدرش ارث می‌برد، پس من آسم را پدر ارث می‌برم. آیا پس از این معرفی باز نمی‌دانید من دختر پیغمبرتان هستم؟ و به این آیه قرآن اشاره می‌کند که می‌فرماید:
وَ وَرَثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ^(۱۹)

فاطمه(س) با استدلالی کوبنده و محکم، همه راه‌ها را بر آنها می‌بندد و جای اشکال و ایرادی را باقی نمی‌گذارد تا آنان نگویند از قرآن اینگونه فهمیدیم و آنگونه استفاده کردیم. حضرت(س) به کمال مطلوب خود دست یافت و آن جاودانگی و پیوستن به ابدیت بود. بانوی بزرگوار اسلام، پیش از آنکه به نتیجه آنی قیام خود بیندیشد، به استمرار نهضت خود توجه داشت و اینکه بتواند حقانیت چهره اسلام را به تصویر کشد و سنتی جاویدان در مبارزات مذهبی برجای گذارد تا ظلم‌ستیزان تاریخ، در برابر چنین بی‌عدالتی خاموش نشینند و برای برپایی حق از قیام نهراسند.

پی‌نوشت

- ۱- فروزنی، سیدکاظم، **فاطمه زهر(س)**، از ولادت تا شهادت، ترجمه: حسین فردبونی، ص ۳۲۷ و ۳۲۸
- ۲- مجلسی، محمدباقر، **زندگانی حضرت زهر(س)**، ترجمه: محمد روحانی‌علی آبادی، ص ۸۰۴
- ۳- همان، ص ۶۹۱
- ۴- ابن ابی‌الحدید، **شرح نهج البلاغه**، ج ۱۶، ص ۳۴۵
- ۵- طبرسی، **احتجاج**، ج ۱، ص ۲۵۳
- ۶- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵۶
- ۷- احتجاج، ج ۱، ص ۲۵۳
- ۸- نجم‌الحاج، ص ۴۱
- ۹- فاطر (۳۵): ۱۵
- ۱۰- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۶۹
- ۱۱- طباطبایی، **المیزان**، ج ۱۸، ص ۴۲۳
- ۱۲- طبرسی، همان، ص ۲۵۷
- ۱۳- طبرسی، همان، ص ۲۵۸
- ۱۴- نهج‌البلاغه، خطبه ۲: (۵)
- ۱۵- خاموشی، همان، ص ۹۱ و ۹۱رک: حسینی زنجانی، عزالدین، **شرح خطبه حضرت زهر(س)**، ص ۱۵۹
- ۱۶- رعد (۱۱۲): ۱۱
- ۱۷- طبرسی، همان، ص ۲۵۹
- ۱۸- لیل ۱۸: ۹۲
- ۱۹- بحارالانوار، ج ۷، ص ۶۴
- ۲۰- نهج‌البلاغه، خطبه ۶۷
- ۲۱- طبرسی، همان، ص ۲۵۹
- ۲۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۴
- ۲۳- توبه (۹): ۱۲۸
- ۲۴- بقره (۲): ۲۰۷
- ۲۵- انفال (۴): ۱۴۳- ۱۴۱
- ۲۶- مائده (۶۷): ۱۳۱
- ۲۷- رک: خاموشی، همان، ص ۱۸۲- ۱۵۶
- ۲۸- نحل (۲۷): ۱۶

منبع: نامه جامعه- شماره ۶۹

اشاره
استادمحمدحسین رجبی‌دوانی: دفاع از ولایت افن نمی‌خواهد عظمت حضرت زهر(س) تنها به این نیست که دختر حضرت رسول(ص)، همسر ولایت و مادر امامت است، اینها امتیاز بزرگی برای حضرت زهر(س) است اما بزرگ‌ترین نیست؛ بین علمای ما اختلاف است که مقام حضرت زهر(س) بالاتر از حضرت علی(ع) است یا پایین‌تر، برخی آن حضرت را بالاتر از حضرت علی(ع)، برخی مساوی و برخی پایین‌تر می‌دانند، برخی نیز تنها برتری حضرت علی(ع) را امامت حضرت می‌دانند. چه چیزی حضرت زهر(س) را به اوج رفعت رساند؟! ما به غلط می‌گوییم حضرت زهر(س) برترین الگوی زنان عالم است، اما باید گفت حضرت فاطمه(س) برترین الگوی مردان و زنان عالم است. البته اول بانوان هستند چون از جنس حضرت زهر(س) هستند. تعبیری در زیارت‌های حضرت زهر(س) هست که درباره هیچ معصومی مطرح نشده است. در این زیارت‌ها مطرح شده «اَلْسَلامُ عَلَیکَ یا مَمْتَنَتَه» سلام بر تو ای بانویی که مورد امتحان قرار گرفتی. یکی از سنت‌های بزرگ الهی امتحان است که برای همه رخ می‌دهد. چیزی که باعث شده حضرت زهر(س) امتحان شده و سرافراز و سربلند از این امتحان بیرون بیاید مساله ولایت و ولایتمداری است، حضرت زهر(س) با ولایتمداری امتحان و برای همه مردان و زنان الگو شد و حتی جان مقدس خود را در راه حمایت از ولایت گذاشت. ما به غلط می‌گوییم اولین شهیده راه ولایت، حضرت زهراست، خیر حضرت زهر(س) اولین شهید راه ولایت است. ما به غلط می‌گوییم که حضرت زهر(س) از همسرش دفاع کرد و حضرت زینب(س) از برادرش؛ اینها جفا به این ۲ بزرگوار است، بسیاری از زنان هستند که از همسر یا برادر خود دفاع می‌کنند، این مساله برای حضرت زهر(س) افتخار نیست، بلکه مساله دفاع و جان دادن در راه ولایت است. وقتی به خانه حضرت حمله و ایشان را مضروب کردند، حضرت بی‌هوش شد و به دلیل بی‌هوش شدن ایشان بود که دشمنان توانستند به حضرت علی(ع) دست پیدا کنند که اگر بی‌هوش نبود حتی به قیمت جان‌شان نمی‌گذاشت غاصبان ولایت به علی(ع) دست پیدا کنند. وقتی حضرت زهر(س) به هوش آمد دید که حضرت علی(ع) را با دست‌های بسته کشان‌کشان به سوی مسجد می‌برند، ایشان با همان حال مجروح خود را به حضرت علی(ع) رسانند تا اجازه ندهد ایشان را ببرند اما بر همان دستانی که حضرت رسول(ع) بر آنها بوسه می‌زد، چنان با غلاف شمشیر زدند که حضرت دوباره بی‌هوش شد. حتی علمای اهل سنت نیز نقل کرده‌اند که وقتی حضرت فاطمه(س) به هوش آمد و متوجه شد حضرت علی(ع) را برده‌اند خود را به مسجد رساند و زمانی که دید شمشیر بر سر امیرالمؤمنین(ع) گذاشته‌اند و تهدید می‌کنند که اگر بیعت نکنی گردنت را می‌زنیم، حضرت فریاد برآورد که اگر او را رها نکنید به سه طرف بی‌پیامبر می‌روم و بر شما نفرین می‌کنم، اینجا بود که ابوبکر گفت علی را رها کنید، در حقیقت حضرت زهر(س) جان امام زمان خود را نجات داد. اینهاست که حضرت زهر(س) را به اوج رسانده و ایشان را ممتحنه کرده است، زنی که فقط بی‌هوشی و جان دادن او را از ولایت جدا کرد.
حضور در عرصه دفاع از ولایت هیچ حد و مرزی نمی‌پذیرد و مرد و زن هم ندارد. حضرت زینب(س) طبق تعلیم مادر بزرگوار خود نیز اینگونه عمل کرد؛ به غلط و دروغ برخی بدون سند مطرح می‌کنند که حضرت زینب(س) در زمان عقد با عبدالله بن جعفر شرط کردند که هرگاه برادرم حسین به سفر برود من نیز همراه او باشم. این حرف هیچ سند و مبنای معتبری ندارد. گذشته از این امام حسین(ع) چه فضیلت و برتری بر امام حسن(ع) دارند، اگر بناست حضرت زینب(س) با برادر خودشان باشند، هر ۲ برادر معصوم هستند. این نقل بی‌بناست، عبدالله بن جعفر چه اجازه بدهد و چه ندهد، حضرت زینب(س) از امام زمان خود دفاع و با ایشان همراهی می‌کرد و نیاز به اذن شوهر ندارد. درست است که جهاد از زن خواسته نشده اما در دفاع زن هم مثل مرد وظیفه دارد سلاح دست بگیرد و به اذن شوهر نیاز ندارد.
📰📰 📰📰 📰📰
 ۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰
ارتباط با مادر شبکه‌های اجتماعی